



Research article

Research in Comparative Literature (Arabic and Persian Literature)
Razi University, Vol. 10, Issue 2 (38), Summer 2020, pp. 19-35

A Comparative Study of Feminist Criticism in the Works of Female Writers Based on Novels by Simin Daneshvar and Nawal El Saadwi

Azaheh Poursaddami¹

Ph.D. Student of Persian Language and Literature, Roudhen Branch, Islamic Azad University, Roudhen, Iran

Seyed Ebrahim Arman²

Associate Professor of Arabic Language and Literature, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran

Maryam Amir Arjmand³

Assistant Professor of Persian Language and Literature, Roudhen Branch, Islamic Azad University, Roudhen, Iran

Received: 05/29/2019

Accepted: 04/23/2020

Abstract

Many efforts have been made to realize women's rights, in the works of women's writers all around the world. Sometimes certain of these works been exaggerated, and occasionally they have been balanced and achieved good results. By examining the views, actions, language and literature of female heroes, this study seeks to find the aspects of similarity and difference in in these novels: "Suva Shun", "Wandering Island" and "Wanderer Cameleer" by Simin Daneshvar and "Memoirs of a Woman Doctor" and "My Memories from Women's Prison" by Nawal El Saadawi based on feminist criticism. The purpose of this study is to reflect the similarities and differences between the two aforementioned Persian and Arab writers in order to find the cultural similarities and differences between the two authors. The selected novels of Nawal, were first translated and then based on American Comparative literature school have been compared with Simin's selected works. This descriptive-analytical study indicated that although both writers have reflected feminist views in their works, but Simin generally falls short of defending women's rights and identities in some cases, while Nawal is more radical.

Keywords: Comparative Literature, Feminist Criticism, Novel, Simin Daneshvar, Nawal El Saadwi.

1. **Email:**

nsaddami@yahoo.com

2. **Corresponding Author's Email:**

shams1516@yahoo.com

3. **Email:**

la.arjmand13@gmail.com



کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی (مطالعات تطبیقی عربی - فارسی)
دانشگاه رازی، دوره دهم، شماره ۲ (پیاپی ۳۸)، تابستان ۱۳۹۹، صص. ۱۹-۳۵

بررسی تطبیقی نقد فمینیستی در آثار داستان‌نویسان زن با تکیه بر رمان‌های سیمین دانشور و نوال السعداوی

آزاده پورصدامی^۱

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران

سید ابراهیم آرمن^۲

دانشیار گروه زبان و ادبیات عرب، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

مریم امیر ارجمند^۳

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران

دریافت: ۱۳۹۸/۳/۸

پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۴

چکیده

در آثار زنان نویسنده جهان تلاش‌های بسیاری برای احقاق حقوق زنان صورت گرفته است. برخی از این آثار گاه به افراط کشیده شده‌اند و گاه نیز تعادل را رعایت کرده و اقدامات مفیدی را به‌ثمر رسانده‌اند. جستار پیش رو با بررسی دیدگاه‌ها، کنش‌ها و زبان و ادبیات قهرمانان زن در پی یافتن جنبه‌های مشترک و متفاوت در رمان‌های سوشون، جزیره سرگردانی و ساریان سرگردان از سیمین دانشور و *ملکرات طیبیه و مذاکراتی فی سجن النساء* از نوال السعداوی براساس نقد فمینیستی است. هدف از پژوهش حاضر بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های آثار این دو نویسنده فارسی و عرب‌زبان است تا از این راه بتوان به شباهت‌ها و اختلاف‌های فرهنگی این دو نویسنده دست یافت. کتاب‌های انتخاب‌شده از نوال، ابتدا ترجمه و سپس براساس مکتب ادبیات تطبیقی آمریکایی با آثار منتخب سیمین مقایسه و بررسی شده است. روش کار در نوشتار پیش رو تحلیلی - توصیفی است. دستاورد پژوهش، بیانگر آن است که اگرچه هر دو نویسنده در بازتاب دیدگاه‌های فمینیستی اشتراکات و اختلافاتی دارند؛ اما در بررسی کلی سیمین در بعضی موارد از دفاع در برابر حقوق و هویت زنان کوتاه آمده است، این درحالی است که نوال در این زمینه تندروی بیشتری دارد.

واژگان کلیدی: ادبیات تطبیقی، نقد فمینیستی، رمان، سیمین دانشور، نوال السعداوی.

۱. پیشگفتار

۱-۱. تعریف موضوع

ادبیات تطبیقی^۱، از شاخه‌های جدید و گستردهٔ ادبیات امروز است که در آن به بررسی، تجزیه و تحلیل ارتباط‌ها و شباهت‌های بین ادبیات، زبان‌ها و ملیت‌های مختلف می‌پردازد و از مرزهای سیاسی، زبانی، ملی و فرهنگی فراتر رفته و به دنبال گشودن افق‌های تازهٔ فکری است. فرانسوا ویلمن^۲ در جلد چهارم مجموعه سخنرانی‌های خود (۱۹۸۳) «اصطلاح ادبیات تطبیقی را برای نخستین بار به کار برد.» (حدیدی، ۱۳۷۳: ۱) و پس از او، سنت-بو^۳، منتقد مشهور فرانسوی، آن را ترویج داد.

از جمله پژوهش‌های تطبیقی انجام‌شده در سال‌های اخیر، ادبیات فمینیستی است. این جنبش در کشورهای شرقی از جمله ایران و مصر به گونه‌های مختلفی مانند فمینیسم^۴ رادیکال^۵، سوسیال^۶، لیبرال^۷، اگزیستانسیال^۸ و پسامدرن^۹ ظاهر شده است. از میان زنان نویسندهٔ ایران سیمین دانشور در داستان‌هایش سعی در رساندن صدای زنان دارد تا خواننده را با حقوق از دست‌رفتهٔ زنان و ستم وارده بر آنان آشنا سازد. وی با طبقات و افراد مختلف جامعه برخورد داشته است؛ بنابراین، داستان‌هایش به موضوعات و مشکلات اجتماعی و خانوادگی می‌پردازد و همواره در رمان‌هایش سه شخصیت زن از سه نسل (مادربزرگ، مادر و دختر) حضور دارند. در کنار او، نوال السعداوی، از زنان رنج‌کشیدهٔ جهان عرب، تمام تلاش خود را در راه احقاق حقوق زنان به کار برده است. او نیز به جست‌وجوی یافتن علل درحاشیه‌ماندن زنان برمی‌خیزد و تمام هم‌تش را بر آن می‌دارد که به آگاهی خود و هم‌نوعانش بیفزاید.

۱-۲. ضرورت، اهمیت و هدف

بررسی آثار دو نویسنده از دو کشور متفاوت که هر یک نمایندهٔ نوع خاصی از فرهنگ در پهنهٔ جهانی هستند، می‌تواند ما را در شناخت شخصیت و هویت زن در دو فرهنگ مختلف یاری نماید؛ همچنین سبب می‌شود که دغدغهٔ نویسندگان آن کشورها را در ارتباط با درکشان از جایگاه و موقعیت زنان بیشتر بشناسیم؛ بنابراین، جستار پیش رو بر آن است که با بررسی دیدگاه‌ها، کنش‌ها و زبان و ادبیات قهرمانان زن در رمان‌های سووشون، جزیرهٔ سرگردانی و ساریان سرگردان از سیمین دانشور و ملگرات

1. Comparative Literature
2. F. Wilman
3. Sainte-Beuve
4. Feminism
5. Radical feminism
6. Social
7. Liberal
8. Existential
9. Postmodern

طبیعی و مذاکراتی فی سجن النساء از نوال السعداوی براساس نقد فمینیستی به جنبه‌های اشتراک و افتراق شخصیت‌ها در آثار این نویسندگان ایرانی و مصری دست یابد و در این راستا شباهت‌ها و اختلاف‌های فرهنگی را تبیین نماید.

۱-۳. پرسش‌های پژوهش

- بازتاب اندیشه فمینیستی در آثار منتخب دانشور و السعداوی چگونه است؟
- شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌دو کدام‌اند؟

۱-۴. پیشینه پژوهش

درباره سیمین دانشور و نوال السعداوی پژوهش‌هایی انجام شده است؛ از جمله آن‌ها می‌توان موارد ذیل را برشمرد: لیلی الحر (۱۹۸۰) تلاش نوال السعداوی برای رهایی از تسلط مردان را در آثارش بررسی کرده است. القادری (۱۹۸۰) به فعالیت‌های نوال پیرامون جنبشی که در حمایت از حقوق زنان در مصر به راه انداخته، اشاره کرده است؛ همچنین جورج طرابیش (۱۹۹۵) رمان‌ها و آثار فکری نوال السعداوی را تحلیل روان‌شناسانه کرده است. رجاء طایع (۱۳۹۶) نگاه نقادانه نوال در مورد جایگاه زنان در جامعه را ارزیابی کرده است. محمدی (۱۳۹۶) فمینیسم‌گرایی در دو رمان *الحب فی زمن النفط* نوال السعداوی و سووشون سیمین دانشور را بررسی تطبیقی کرده است.

گلشیری (۱۳۷۷) این موضوع را بررسی کرده که نقاش - سیمین - چگونه توانسته است با وجود تبعیت از تنگناهای فکری خود و ابتلا به محمضه‌های فکری آل‌احمد نقشی بیافریند که از نقاش در گذرد. میرزاییان و باقری (۱۳۹۵) پژوهش‌های انجام‌شده روی آثار سیمین دانشور با رویکرد نقد زن‌محور را بررسی کرده‌اند و حسن‌لی و سالاری (۱۳۸۶) در تقسیم‌بندی کلی‌ای برخی از جلوه‌های آشکار فمینیسم را در آثار سیمین دانشور نشان می‌دهند. دهباشی (۱۳۸۳) مجموعه مقالاتی که در مورد سیمین تا آن سال نوشته شده بود را در جشن‌نامه پربار خود گردآوری کرده است؛ و... با توجه به اینکه در زمینه ادبیات تطبیقی نقد فمینیستی آثار سیمین دانشور و نوال السعداوی به‌ویژه در آثار منتخب نوال تاکنون پژوهش مستقلی به‌عمل نیامده است و همچنین به‌دلیل تشابه ادبیات کشورهای شرقی اسلامی، انجام این پژوهش ضروری می‌نماید.

۱-۵. روش پژوهش و چارچوب نظری

روش پژوهش حاضر تحلیلی - توصیفی و بر مبنای مکتب ادبیات تطبیقی آمریکایی است. نویسندگان جستار پیش رو، ابتدا اطلاعات مربوط به پژوهش را به‌روش کتابخانه‌ای گردآوری کرده، سپس داده‌های مشترک را در تنه اصلی مقاله در سه حوزه دیدگاه‌ها، کنش‌ها و زبان و ادبیات قهرمانان زن

بررسی و تحلیل تطبیقی کرده‌اند.

۲. پردازش تحلیلی موضوع

جنبش‌های فمینیستی در کشورهای شرقی از جمله ایران و مصر به گونه‌های مختلفی ظاهر شد. بسیاری از اندیشمندان فمینیست، اساس و دیدگاه خود را یکی از «نحله‌های لیبرال، مارکسیست^۱، روان‌کاوانه^۲، و سیالیست^۳، آگزیستانسیالیست^۴ یا پسامدرن^۵ منتسب می‌کنند.» (تانگ^۶، ۱۳۸۷: ۱۶) بررسی نوشته‌های نظریه پردازان فمینیسم نشان‌دهندهٔ وجود دو گرایش عمده در این شیوهٔ نقد ادبی است. گرایش اول که جلوه‌های زن^۷ نامیده می‌شود، به‌طور کلی به این موضوع می‌پردازد که زن در آثار ادبی (به‌ویژه آثاری که مردان نوشته‌اند) به چه صورت و با کدام نقش‌های قالبی به خواننده ارائه شده است. به‌باور هواداران این گرایش، «نویسندگان مذکر اغلب به‌طور ضمنی فرض می‌کنند که خوانندهٔ آثار آنان مرد است و به همین سبب تصویر ارائه‌شده از زن در آثارشان به گونه‌ای است که با مقتضیات فرهنگ مردسالارانه مطابقت دارد و اساساً همان فرهنگ را بازتولید می‌کند. گرایش دوم نقد فمینیستی «نقد زنان» نامیده می‌شود و نظریه پرداز اصلی آن «شوالتر^۸» است. در این نوع نقد به زن در مقام نویسنده توجه می‌شود.» (پاینده، ۱۳۷۶: ۴۳)

نقد فمینیستی این جسارت را دارد که بیان کند، زنانی که به‌مثابهٔ زنان منفی معرفی می‌شوند، تنها از زاویهٔ دید مردان منفی‌اند. «در این نوع نقد، هدف آن است که نشان داده شود که اگر زنان در ادبیات، سیمای قربانیان را پذیرفته‌اند، از آن روست که زنان و مردان، در موقعیت‌های برابر قرار نگرفته‌اند. از سویی دیگر، این نابرابری‌ها نه از تفاوت ساختار زیستی و شخصیتی که از جامعه سرچشمه می‌گیرد. این نوع نقد بر آن است که در لابه‌لای خطوط ادبیات مردسالار، زنان نامرئی را نشان دهد که در جریان زندگی و پیش‌برد آن نقشی بس بزرگ بر عهده داشته‌اند.» (تلخایی، ۱۳۸۴: ۸۶-۹۰)

در ایران، سیمین دانشور در داستان‌هایش کوشید تا صدای زنان را برساند. دانشور بایان شوربخشی‌ها، سختی‌ها و امیدهای زنان می‌کوشد به دنیای ذهنی و عینی آنان هرچه بیشتر نزدیک شود؛ البته در آثار او مردان نیز در کنار زنان به‌عنوان موجوداتی مستقل و قهرمانانی زنده توصیف می‌شوند.

1. Marxist
2. Psychoanalytic
3. Socialist
4. Existentialist
5. Postmodern
6. Tang
7. Feminine effects
8. Showalter

گویی دانشور دنیایی آرمانی را در نظر داشته که در آن زن و مرد هر کدام نقش حقیقی خود را بازیافته و در جایگاه اصلی خود ایستاده و بی آنکه قصد تصاحب حق دیگری را داشته باشند، زندگی می‌کنند؛ از سوی دیگر، نوال السعداوی زنی جسور است که همواره خلاف جریان آب حرکت کرده است. تجربه حیاتی متلاطم از زندان تا تبعید و تهدید به مرگ، همگی سختی‌هایی بود که نوال طی کرده است. با وجود دشواری‌ها، او همواره تأکید کرده است که در برابر ظلم و ستم اعمال‌شده علیه زنان ایستادگی می‌کند و در این راه ذره‌ای عقب‌نشینی نخواهد کرد. او در جوانی به دلیل بیان دیدگاه‌های سیاسی به زندان محکوم شد، اما در زندان نیز از پای ننشست و با استفاده از دستمال توال و مداد ابرو، به نوشتن خاطرات مشغول شد. این نویسنده مصری در ایران با کتاب معروف *چهره زن عرب* شناخته شده است (ر.ک: قاسم‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۸۵-۱۸۷)

هر دو نویسنده ایران و مصر درک عمیقی از شرایط زندگی شخصی و اجتماعی زنان شرقی دارند و نظام مردسالار را در آثار خود به محروم کردن زنان از حقوق طبیعی‌شان متهم می‌کنند. نوشته‌های دانشور و السعداوی هر دو متأثر از رویدادهای سیاسی جهانی و ملی مانند انقلاب‌های داخلی و جنگ‌های جهانی هستند. به منظور بررسی دقیق‌تر آثار، این پژوهش در سه حیطه جداگانه به دیدگاه‌ها، کنش‌ها و زبان و ادبیات قهرمانان زن پرداخته و برای هر کدام از موارد شاهد مثال‌هایی ذکر کرده است.

۲-۱. دیدگاه‌های قهرمانان زن

۲-۱-۱. بیزاری از جنسیت خویش

قهرمان داستان *ملکرات طبیعی* از آغاز کودکی از زن بودن خود بیزار است و نمی‌تواند با آن کنار بیاید. او در مقابل تبعیض جنسیتی میان خود و برادرش نارضایتی‌اش را چنین اظهار می‌دارد:

«لم تكن دموعي الأولى في حياتي لأني فشلت في مدرستي أو لأني كسرت شيئاً غالباً ... ولكن لأني بنت! بكيث على أنوثتي قبل أن أعرفها...» (۱۹۸۵: ۵-۶)

(ترجمه: اولین اشک‌های من به دلیل ضعف درسی در مدرسه یا شکستن وسیله‌ای گران‌بها نبود؛ بلکه برای دختر بودن خود اشک می‌ریختم! پیش از آنکه بدانم زنانگی چیست بر آن گریستم!)

همچنین در رمان *جزیره سرگردانی*، «هستی»، قهرمان داستان، می‌کوشد که حالات و رفتارهای زنانه مربوط به ظاهر جنسیت زنانه خود را انکار کند.

۲-۱-۲. مقابله با زنان جامعه سنتی

در آثار دو نویسنده، تقابل و ستیز زنان سنتی با زنان مدرن به خوبی مشاهده می‌شود؛ دنیای زنانه توران، مادر بزرگ هستی، نماینده نسل زنان سنتی از دنیای مادرش که نماد زنان غرب‌زده و فمینیست رادیکال است، بسیار متفاوت است. هستی که نماینده زنان جوان و مدرن است، در انتخاب یکی از دو دنیای

سنتی مادر بزرگ یا رادیکال مادر، دچار نوعی سردرگمی و تعارض است. به‌طور مشابه در خاطرات پزشکی، نوال نیز از دیدن مادرش که نمونهٔ کامل زن سنتی عرب است و زنانگی را در آشپزخانه و سیر کردن شکم شوهر می‌داند، ابراز تنفر می‌کند و با سرکشی درمقابل سنت‌گرایی او می‌ایستد.

۲-۱-۳. اعتراض به زنان منفعل

دانشور و السعداوی در داستان‌هایشان از زنان منفعلی که قدرت انجام هیچ‌کاری را ندارند و چشم‌هایشان به دهان مردانشان است، ابراز انزجار می‌کنند. در *سووشون*، زری در ابتدای داستان خود را زنی بی‌عرضه می‌داند که نمی‌تواند حرفش را بزند؛ به‌طور نمونه، از دست دادن گوشواره‌ها در مراسم عقدکنان دختر حاکم (دانشور، ۱۳۸۱: ۳۶). «دانشور با منفعل نشان‌دادن زری و فعال کردن یوسف در صحنهٔ حوادث، شخصیت یوسف را تا اندازهٔ یک قهرمان اسطوره بالا برده است» (آتش سودا، ۱۳۸۳: ۱۰۳)؛ البته در پایان این رمان زنان با پذیرش خود به‌عنوان شخصیتی مستقل و جدا از مرد «به نقش تأثیرگذار خود پی برده و گام در مسیری جدید می‌گذارند که برای زری این مسیر با پذیرش نقش فعال خودش در آموزش فرزندش برطبق آرمان‌های اجتماعی که باور داشت، آغاز می‌شود و تا آنجا پیش می‌رود که دیگر انسان فارغ از جنسیت در کلام او جاری می‌شود.» (جوکاری و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۷۴)

ویرجینیا وولف^۱ در مقالهٔ انتقادی‌اش «شغل‌ها برای زنان» در سال ۱۹۳۱ مفهوم «فرشتهٔ خانگی^۲» یا همان مدل قابل قبول از زن برای عصر ویکتوریا را شرح داده است. از نظر او عنوان «فرشتهٔ خانگی» به زنان اطلاق می‌شود تا به‌سوی فرمان‌برداری از مردان سوق داده شوند. برخی مشخصات فرشته‌های خانگی به این شرح است: «آنها بسیار فداکارند و غیر خودخواهانه زندگی می‌کنند، گویی خودشان نیاز یا خواسته‌ای ندارند و مسئول برآوردن نیازهای شوهر و فرزندانشان هستند.» (هندلی^۳، ۱۹۹۴: ۳۵) در *ساریان سرگردان*، نیکو، زن سلیم، به‌مثابهٔ فرشته‌ای خانگی توصیف شده است. او زنی سنتی و غیر تحصیل کرده است. کم‌حرف و پیرو آداب و رسوم است و به‌قول زنان دیگر «نیکو یک برهٔ سربه‌راه است. حتی هوو را هم تحمل خواهد کرد.» (دانشور، ۱۳۸۰: ۲۹۲)

۲-۱-۴. پرهیز از ازدواج

از تفکرات افراطی در فمینیسم، پرهیز از ازدواج و تشکیل خانواده است. به‌راستی چگونه می‌توان میان حضور نقش‌آفرین زن در جامعه و وظایف سنگین مادری - همسری که به‌شدت او را درگیر خانه و

1. V. Woolf

2. House Angel

3. W. Handley

خانواده می‌کند، تعادلی برقرار کرد؟ در جزیره سرگردانی هستی، دختری است که هرچند سنت‌شکنی می‌کند و خود از مرد دلخواهش خواستگاری می‌کند؛ ولی باصراحت اظهار می‌دارد:

«ته قلبم راضی به اسارت شوهر نیست. سر بزنگاه به همش می‌زنم... مگر همه باید شوهر کنند؟» (۱۳۷۲: ۲۵۴)

از مهم‌ترین عوامل اختلاف نوال در ارتباط با مادرش در *ملکرات طبیعی*، تأکید همیشگی و دائمی مادر مبنی بر آماده‌شدن دختر از هر لحاظ برای ازدواج است:

«یجب أن تتعلمي الطبخ... مُصيرك إلى الزّواج... الزّواج! تلك الكلمة البغيضة التي كانت ترددها أمي كل يوم حتى كرهتها...» (۱۹۸۵: ۱۰)

(ترجمه: باید آشپزی یاد بگیری... آینده‌ات ازدواج است... ازدواج! ازدواج!... مادرم آن‌قدر این کلمه نفرت‌انگیز را تکرار کرد که از آن بیزار شدم.)

۲-۲. کنش‌های قهرمانان زن

فمینیست‌ها با طرح شعار برابری کامل در تمام زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بر آزادی مطلق زنان تأکید داشتند؛ زیرا معتقد بودند که «فرهنگ»، با تعریف زنان به‌عنوان مادر، همسر و موجودی زینتی، جنس مؤنث را در محدودیت تاریخی قرار می‌دهد. (توحیدی، ۱۳۸۱: ۱۵۶) سیمون دوبووار^۱ با مطرح کردن شعار «هیچ‌کس زن به دنیا نمی‌آید؛ بلکه زن می‌شود.» (صنعوی، ۱۳۸۰: ۱۲۶) توانست تأثیر جامعه سنتی را در به‌وجود آمدن برخی از قوانین اثبات کند؛ بنابراین، زنان فمینیست کسب هویت زنانه، فعالیت و حضور در صحنه اجتماعی و اقتصادی و بی‌اعتمادی نسبت به مردان را مورد توجه قرار دادند.

۲-۲-۱. کسب هویت زنانه

سیمین از اولین نویسندگان زن ایرانی است که در به‌تصویر کشیدن هویت زنانه سهم به‌سزایی داشته است؛ هستی، قهرمان رمان *جزیره سرگردانی*، حقوق ازدست‌رفته طبیعی زنان در جامعه را به‌تصویر می‌موند. کور و کر و لال تشبیه می‌کند که همواره باعث سکوت، چشم‌پستن بر خطای مردان و نشنیدن سخنان سرد آن‌ها در مقابل زنان شده است. «یک روز استاد مانی تصویر میمون‌های سه‌گانی را روی پرده کلاس نشان داد... یکی از میمون‌ها دست روی چشمش گذاشته، یکی دست روی گوشش و آخری دست روی دهانش. وصف حال زن‌ها در دنیای کوچک ما» (دانشور، ۱۳۷۲: ۲۵)؛ همچنین زن *ملکرات طبیعی* نوال، در مقابل خواسته‌های مادرش که دنیای زنانه را محدود زشت ترسیم می‌کرد، سرکشی و نافرمانی می‌کند؛ زیرا می‌خواست خشت باورهایش را خود بروی هم بچیند و کاخی از اندیشه‌های زنی خود ساخته، برافرازد. او اولین رویارویی با زنانگی کاذب را چنین توصیف می‌کند:

«نظرتُ إلى خصلاتٍ شعري وهي تتلوی بین فکّی المقص الحاد ثمّ تهوي إلى الأرض ... أهذه الخصلات هي التي تقولُ عنها أمي إنّها تاج المرأة وعرشها؟ أخترَ التاج المرأة هكذا سريعاً في لحظة إصرار واحدة! وشعرتُ باستخفاف شديد نحو النساء ... رأيتُ بعيني رأسي أنّهن يؤمن بأشياء تافهة لا تساوي شيئاً... ومنحني هذا الاستخفاف بمنّ قوّة جديدة جعلتني أعود إلى البيت وأنا أسير على قدمين ثابتين، واستطعت أن أشدّ قامتي وأنا أفف أمامي بشعري القصير...» (۱۹۸۵: ۱۵)

(ترجمه: به دسته‌های موهایم که بین لبه‌های تیز قیچی تاب می‌خوردند و سپس بر زمین می‌افتادند نگاه می‌کردم. آیا این همان موهایی است که مادرم می‌گوید تاجی بر سر زنان است؟ آیا این قدر سریع با لحظه‌ای پافشاری تاج از سر زن برداشته می‌شود؟ بسیار برای زن‌ها ترسیدم... با چشمانم سرم را دیدم که به امور بی‌ارزش ایمان دارد... با نیرویی جدید قدم برداشتم. به خانه باز گشتم با قدم‌هایی ثابت؛ و توانستم قامت خود را استوار کنم و با موهای کوتاهم روبه‌روی مادرم بایستم...)

۲-۲-۲. تلاش برای حضور زن در اجتماع

زنان پیشگام و سنت شکن، راهی دشوار و پیچیده را برای کسب استقلال در هویت و جهان‌بینی‌شان در پیش می‌گیرند. هستی، زری، عشرت و توران هر کدام به‌نوعی می‌کوشند تا در جامعه حضور یابند. هستی خود را درگیر فعالیت‌های سیاسی مراد کرده است و توصیه‌های خانم دانشور را در صحنۀ اجتماع همیشه در نظر دارد؛ همچنین پس از خواندن یک‌سوم رمان سووشون به داستان کنایه‌آمیز خانم فتوحی که اکنون در بیمارستان بستری است، برمی‌خوریم. دانشور در این داستان از زنی سخن به میان می‌آورد که بیش از این در اجتماع حضور داشته و مقاله‌هایی دربارهٔ احقاق حقوق زن و مظالم مرد در روزنامه‌ها نوشته است:

«خانم فتوحی در زمان سلامت، مقاله‌هایی دربارهٔ حقوق زن و علیه مظالم مرد در روزنامه‌های محلّی می‌نوشت و مجله‌ای هم راه می‌برد که در آن دختران را به بیداری می‌خواند.» (۱۳۸۱: ۱۰۷)

نوال وقتی به مرحلهٔ انتخاب شغل در زندگی می‌رسد پزشکی را انتخاب می‌کند، او دنبال راهی بوده تا به مادر و مادر بزرگش ثابت کند که زنی فراآشپزخانه‌ای خواهد شد؛ زیرا می‌داند که افراد خانواده‌اش به پزشکان با احترام می‌نگرند او جایگاه این حرفه را به قدرت پیوند می‌دهد و چنین بیان می‌دارد:

«سأبیت للطبیعة أنّها بالرغم من ذلك الجسد الضعیف الذي ألبستني.» (۱۹۸۵: ۲۲)

(ترجمه: به هستی ثابت می‌کنم، برعکس آن لباس ضعیفی هستم که بر تن من کرده است.)

همچنین در داستان مذاکراتی فی سجن النساء حضور زنانی به چشم می‌خورد که به دلیل فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی که پیش‌تر در کشورشان سابقه نداشته، به زندان افتاده‌اند.

۲-۲-۳. بی‌اعتمادی نسبت به مردان

دیگر استراتژی فمینیست‌ها برای مقاومت و مبارزه برضد نظام مردسالاری، تکذیب و ردّ کلیشه‌هایی

است که زن را به مثابه کالایی برای نگاه لذت‌جویانه مردان تعریف می‌کنند. «در جوامع مردسالار ارزش زنان با میزان زیبایی ظاهری آنان و توانایی‌شان به‌عنوان کالایی زیبا با میزان ارضای نگاه مردان ارزیابی می‌شود.» (ثورنهام^۱، ۱۹۹۸: ۳۶) سیمین و نوال در آثار ادبی‌شان به‌طور یکسان از نگاه لذت‌جویانه مردان به زنان به‌شدت انتقاد می‌کنند؛ برای نمونه، هستی در جزیره سرگردانی از نگاه حریص پدر مراد و آقای کرایسلی آمریکایی بر چهره و بدنش منجر می‌شود.

به‌همین شیوه نوال، در مراسم خواستگاری‌اش از نگاه غیر عادی مرد آزرده‌خاطر می‌شود و با سرعت مراسم را ترک می‌کند:

«رأيت نظراته الفاحصة تحوم حول جسدي وتستقر في النهاية على صدري فوقفت مذعورة وخرجت من الحجرة أجري كأنما عفريت يطاردني...» (۱۹۸۵: ۱۲)

(ترجمه: دیدم که نگاهش به بدنم است و بر سینه‌هایم ثابت شده است، ترسیدم و از آنجا خارج شدم؛ گویا جن دنبالم کرده بود.)

همچنین نوال گروهی از مردان همچون شوهر فتحیه را عامل بدبینی و رویگردانی برخی از زنان از مردان می‌داند:

«فتحية القاتلة كانت فلاحه غلبانة تزوع بإيديها وتقلع، وزوجها راقد في البيت. في يوم رجعت من الغيط لقيته راقدا فوق بنتها. عمرها تسع سنين. ضربته بالفأس على رأسه وأخذت حكم بالسجن المؤبد...» (۱۹۸۲: ۱۲۱)

(ترجمه: فتحیه قاتل کشاورز ساده‌ای بود که با دستان خود کاشت و برداشت را انجام می‌داد. درحالی‌که همسرش در خانه می‌خوابید. یک روز وقتی از زمین کشاورزی برگشت، دید که همسرش روی دختر نه‌ساله‌اش خوابیده است. با داس روی سر او کوبید و حکم زندان ابد برایش صادر شد.)

«قهرمان جزیره سرگردانی اذعان می‌کند: به این دلیل که به مردان اعتماد ندارد، تا بیست‌وشش سالگی مجرد مانده است.» (دانشور، ۱۳۷۲: ۱۵)

۲-۲-۴. بینش‌های عامیانهٔ زنانه

زنان رفتارها، حرکات و سکنتاتی خاصّ خویش دارند که بانوعی ظرافت، زیباشناسی، پیرنگی از عاطفه، زیرکی و شوخی و شیرین‌کاری همراه است و هرکدام در یکی از عوامل زیست‌شناختی، روان‌شناختی، اجتماعی و بیش از همه هویت زنانه و جنسی او ریشه دارد؛ این‌گونه رفتارها، یک‌دست نیست و خوب و بد در آن وجود دارد. در ادامه به چند مورد اشاره می‌شود:

۲-۲-۴-۱. تیمارداشت بیمار

تیمارداری خاص زنان نیست اما شکیبایی بر بی‌تابی بیمار، رحمت آوردن بر او و کوشش برای مداوای

وی، زنان را شایسته‌تر نشان می‌دهد؛ برای مثال در سووشون چوپان خانوادهٔ یوسف خان در گذشته و یوسف پسر وی را که تبی زیاد دارد، با خود به خانه آورده:

«[زن‌ها] عقلشان را روی هم ریختند و شروع کردند به معالجه. ترنجبین و شیرخشت به خورد کلو دادند. حوله تر کردند و به بدنش پیچیدند.» (۱۳۸۱: ۱۴۸-۱۴۹)

۲-۲-۲. نذر و نیاز

این رفتار زنانه به‌طور کلی هنگامی انجام می‌شود که زن با مشکلی غیر قابل درمان و چاره روبه‌رو است یا مشکل خود را حل کرده و اکنون نوبت وفای به عهد است. در سووشون آمده است زری:

«سر به دنیا آوردن خسرو، از درد دیوانه نذر کرده بود برای دیوانه‌ها نان خانگی و خرما ببرد و پنج سال بعد که با هزار ترس و لرز حامله شد، پیشاپیش نذر کرده بود که برای زندانیان هم همان کار را بکند.» (همان: ۲۰)

۲-۲-۳. بافندگی برای فرزندان

رفتاری است عاطفی و نشانه‌ای از محبت مادری به فرزندی که گاه از وی به‌دور افتاده است. در سووشون، مک ماهون که ذهنیتی ناسیونالیستی و طبعی شاعرانه دارد، در مجلس عقدکنان دختر بزرگ حاکم شیراز به زری و شوهرش، اما در واقع خطاب به خود می‌گوید:

«دائم‌الخمر! می‌دانم عاقبت در یک روز سگی بارانی در یک گودال می‌افتی و جان می‌دهی و یا در نوان‌خانه دنبال یک پیرزن می‌گردی که به او بگویی «مادر!» آخر مادرت داشته جوراب پشمی لوزلوزی برای پسرش در جبهه می‌بافته... از زیر آوار که درش آورده‌اند، هنوز میل کرک بافی دستش بوده.» (همان: ۱۳)

۲-۲-۴. قصه‌گویی

زن‌ها تخیل خوبی دارند و به‌خاطر درون‌گرا بودن، در قصه‌گویی موفق‌ترند و می‌توانند از رهگذر داستان‌گویی، نه تنها قدرت تخیل کودک را تقویت کنند، بلکه داستان را در راستای دلخواه یا به‌قصد خاصی تعریف کنند تا تأثیر لازم را بر کودک بگذارند:

«زری ادامه داد: جانم برایتان بگویم، طیاره را روی پشت‌بام‌ها نگه می‌داشت و بچه‌های خوب را سوار می‌کرد و می‌برد توی آسمان...» (همان: ۶۸-۶۹)

۲-۲-۵. گوش ایستادن

این رفتار در وجه غالبش خاص زنان است؛ زیرا آنان کنج‌کاو هستند تا از اسرار آگاه شوند: در جزیرهٔ سرگردانی آمده است:

«... مادربزرگ گوش می‌ایستاد... مامان عشی گوش می‌ایستاد و حالا هستی... از دوران مردسالاری بیشتر زن‌ها گوش ایستاده‌اند، تحمل کرده‌اند، مدارا کرده‌اند... چرا که راهی به جمع جدی مردها نداشته‌اند.» (ص ۱۶۱)

۲-۴-۶. خرافات

در سووشون هنگامی که زری دو هندوانه پاره می‌کند و هردو زردرنگ و کال از آب درمی‌آید، ناری هندوانه را به فال بد می‌گیرد (ر.ک: دانشور، ۱۳۷۲: ۱۹۵). شخصیت مادر نوال در *ملگرات طبیعه* اصرار دارد بر اینکه نوال موهایش را کوتاه نکند؛ زیرا اعتقاد دارد موی بلند تاج سر دختران است و باعث آمدن بخت خوب برایشان می‌شود (ر.ک: السعداوی، ۱۹۸۵: ۱۲).

۲-۳. زبان و ادبیات قهرمانان زن

زبان پدیده‌ای اجتماعی است که زن و مرد به یک نسبت از آن بهره می‌جویند؛ اما هردو به گونه‌ای همانند با آن برخورد نمی‌کنند. در واقع میان نوشتن زن و مرد اختلاف دیدگاه وجود دارد. زنانه‌نویسی یا نگاه زنانه گاه به سکوت می‌گراید و زمانی به پرحرفی که گونه‌ای فریادزدن است، گره می‌خورد. «زبان زنانه که با آرای نظریه‌پردازانی چون ژولیا کریستوا^۱، لوس ایریگایا^۲ و دیگران تکمیل و تداوم یافت، بعدها محوری‌ترین موضوع فمینیسم می‌شود؛ البته فمینیسم‌ها گامی جلوتر رفتند و بر این باور شدند که با شکل‌گیری زبان زنانه می‌توانند بار عمده مردسالاری را حذف کنند؛ از دیگرسو، برخی دیگر از صاحب‌نظران، پوشیدگی در نوشتن را نیز از صفات نوشتار مؤنث می‌دانند و مؤنث را با پوشیدگی پیوند می‌دهند.» (غذامی، ۱۳۸۶: ۹۷) در ادامه به چند ویژگی و توانایی‌های بالقوه زبان در ادبیات زن‌گرایانه اشاره می‌شود:

۲-۳-۱. توصیف جزئیات

در روایت زنانه، استواری زبان و ادبیات فمینیستی بر جزئی‌نگری شخصیت‌های داستان دیده می‌شود که موجب اطناب در آثار نویسندگان شده است. این روند ممکن است چند علت داشته باشد؛ زنان نویسنده قرن‌ها منتظر بوده‌اند تا با فراهم آمدن موقعیت مناسب، بدون رعایت ترتیب و آداب هرچه دل‌تنگ‌شان می‌خواهد بگویند علت دیگر شاید جزئی‌نگری رایج زنان باشد که به کنجکاوای خاص زنانه و طبع زیباشناختی مربوط می‌شود (اسحاقیان، ۱۳۸۵: ۷۵)؛ برای نمونه نوال می‌گوید:

«ظَلَّ الرَّجُلُ واقفاً بالباب، يسعل بشدة، وعروقه في عنقه نافرة. حول العنق ياقه مسوذة بعرق قدم. لون سترته تحت الصوء اللّمبه الخالفت يميل إلى الصفرة؛ وعلى كتفه شيء أشبه بالشريط وعلى صدره ثلاثة أزرار نحاسية باللون الصدا،

1. J. Kristeva

2. L. Irigaray

تدلی أحدها بحیط رفیع یوشک أن یسقط. مسح الرّجل عینه بکم سترته ورأیت فی یده سبحة صفراء وفي قدمیه شبشب بلاستیک.» (۱۹۸۲: ۳۴-۳۵)

(ترجمه: مرد همچنان کنار در ماند. به شدت سرفه می‌کرد. دور گردنش عرق خشک شده قدیمی بود که سیاه شده بود. رنگ کتش زیر نور چراغ متمایل به زرد بود. روی کت او چیزی شبیه نوار و بر روی سینه‌اش سه دکمه بود که یکی با نخ نازک دوخته شده و گویی در حال افتادن بود. چشم‌هایش را با گوشه آستین کتش پاک کرد، در دستش تسیحی زرد و در پاهایش دمپایی پلاستیکی بود.)

لازم به ذکر است که در ادبیات مردگرایانه نیز توصیف و جزئیات به چشم می‌خورد؛ اما میزان آن به مراتب کمتر از ادبیات زن‌گرایانه است.

۲-۳-۲. لحن تأثیرگذار

لحن نوشتهٔ زن‌گرایانه، دست کم در مواردی که به جنسیت، روان، عاطفه، حساسیت‌ها و ذهنیت زنانه مربوط می‌شود، تند، گیرا و تأثیرگذار است؛ در سووشون، زری و یوسف در پی مجادله‌ای لفظی خشمگین شده‌اند؛ صحنه‌ای که نویسنده به توصیف حرکات و سکناات پرداخته، حال و هوایی زنانه دارد:

«زری با دست محکم به شکمش زد و گفت: کاش این یکی که توی شکم است، همین امشب سقط بشود... برای شما تا دم مرگ رفته‌ام و برگشته‌ام... نمی‌توانست جلو اشک‌هایش را بگیرد. نالید: امروز خبر مرگم رفتن این یکی را بیندازم. شجاعت نکردم که نگاهش داشتم؟ وقتی با این مشقت، بچه‌ای را به دنیا می‌آوری، طاقت نداری مفت از دستش بدهی. من هرروز، تو این خانه مثل چرخ چاه می‌چرخم تا گل‌هایم را آب بدهم. نمی‌توانم بینم آن‌ها را کسی لگد کرده.» (۱۳۸۱: ۱۳۰-۱۳۱)

۲-۳-۳. زن نمادی از طبیعت

نویسنده برای توصیف زیبایی‌های طبیعت از لحن و ادبیات زنانه استفاده می‌کند و گاه هویت زنانه شخصیت‌ها را در لابه‌لای طبیعت آرام مانند آب، سبزه، گل و... که همگی نشانی از لطافت زن دارند، به تصویر می‌کشد. زری در سووشون، با طبیعت دم‌خور است و با آن ارتباطی شهودی دارد. در لحظات شادی و سرخوشی آن را با نگاهی شاعرانه می‌نگرد:

«لب جوی نرگس‌ها باز می‌شدند و عکس خود را به آب یادگاری می‌دادند و آب می‌گذشت و گمشان می‌کرد... بهار که می‌شد بنفشه‌های سفید و بنفش نجیبانه با آب گذرا سلام و علیک می‌کردند و هیچ توقّعی نداشتند.» (همان: ۵۶)

در متون طبیعت‌نوال پس از پناه‌بردن به دامان طبیعت زندگی را از سر می‌گیرد:

«لأول مرة في حياتي أحسن دون أن أفكر... أحسن بوقع الشمس الدافئة على جسدي... أحسن بتلك الحضرة الآمنة»

الجميلة التي تكسو الأرض ... أحسن بتلك الزرقة العميقة الفاتنة التي تغلف السماء...» (۱۹۸۵: ۴۳)

(ترجمه: برای اولین بار در زندگی بدون تفکر احساس را لمس می‌کنم، گرمای خورشید را بر جسمم احساس می‌کنم، آن چمن‌های سرسبز آرامش‌بخش پوشاننده زمین را، آن رنگ آبی عمیق مسحورکننده و روکش آسمان را، احساس می‌کنم ...)

۳. نتیجه‌گیری

- حسّ بیزاری از زن بودن به دلیل محدودیت‌های جنسیتی که جامعه از دوران کودکی به دختران القاء می‌کند، برای مدتی دامن‌گیر احساسات شخصیت‌های اصلی داستان‌های هردو نویسنده است و تا زمانی که سعی‌شان در راستای تحوّل شخصیتی‌شان به ثمر برسد، آن‌ها را همراهی می‌کند.

- قهرمان داستان این نویسندگان، در برابر تعاریف سنتی محدودکننده زنان طغیان می‌کنند. از نمودهای این سرکشی‌گریز از ازدواج و تلاش هرچه بیشتر برای حضور پررنگ‌تر در عرصه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی است؛ همچنین آن‌ها از زنان منفعل که از خود هیچ اختیاری ندارند و در برابر جبر حاکم تسلیم می‌شوند، ابراز انزجار می‌کنند.

- شباهت دیگر، تنفّر از تبعیض جنسیتی و بی‌اعتمادی نسبت به مردان است. تبعیضی که نه تنها در طبقات پایین جامعه بین دو جنس رخ می‌دهد، بلکه در خانواده‌های اشرافی نیز حاکم است و بسیاری از زنان منفعل‌وار چاره‌ای جز صبر و تحمل در برابر خیانت‌های مرد خانه را ندارند.

- زبان و ادبیات فمینیستی بر توصیف جزئیات استوار است؛ دلیل آن جزئی‌نگری زنان است که تا اندازه‌ای مولود کنجکاوی خاص آن‌ها است و تاحدی به طبع زیباشناختی و بینش آنان بازمی‌گردد که در آثار دو نویسنده به کار رفته است؛ همچنین هردو نویسنده در توصیفات خود، لحن تأثیرگذار و زنانه دارند.

در حوزه اختلاف می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- سیمین، اعتراضاتش را بایان ادبی ظریف‌تر نسبت به مسائل و محرومیت‌های زنان، به‌طوری غیر مستقیم از جانب شخصیت‌های رمان‌ها (زری، هستی و عشرت) بیان می‌کند. هرچند گاهی خودش را نیز می‌توان در لابه‌لای رمان‌ها مشاهده کرد. در مقابل، نوال به داستان خود نوشت یا اتوبیوگرافی پناه آورده، مستقیم اعتراض می‌کند.

- در بررسی کلی، سیمین در بعضی موارد از دفاع در برابر حقوق و هویت زنان کوتاه آمده است، این درحالی است که نوال، تدروی بیشتر در این زمینه دارد و خواهان برابری کامل حقوق زن و مرد است.

۴. پی‌نوشت‌ها

(۱) سیمین دانشور، فرزند دکتر محمدعلی دانشور و قمرالسلطنه حکمت است که در سال ۱۳۰۰ در شیراز به دنیا آمد. «دوران ابتدایی و متوسطه را در مدرسه مهرآیین گذراند و بلافاصله در دانشکده ادبیات ثبت‌نام کرد. پس از گرفتن مدرک لیسانس در سال ۱۳۲۸ دکترای فارسی را با رساله‌ای با نام «علم الجمال و جمال در ادبیات فارسی تا قرن هفتم

هجری» به پایان رسانید.» (حریری، ۱۳۶۶: ۵) دانشور نخستین مجموعهٔ داستان‌هایش را با نام *آتش خاموش* در سال ۱۳۲۷ و دومین مجموعهٔ داستان‌هایش را به نام *شهری چون بهشت* در سال ۱۳۴۰ منتشر کرد. اگرچه این کتاب نسبت به نخستین اثر دانشور پیشرفتی را نشان می‌دهد و بررسی آن‌ها، آشکار می‌کند که دانشور در گونهٔ داستان نکته‌ها آموخته و گام‌ها برداشته است، اما باید گفت که شهری چون بهشت هنوز با اثر ادبی فاصلهٔ بسیار دارد (ر.ک: آژند، ۱۳۶۳: ۱۰۶) شاهکار ادبی او اثر *سوشون* در سال ۱۳۴۸ است. از دیگر آثار او می‌توان *جزیرهٔ سرگردانی* در سال ۱۳۷۲ و *ساربان سرگردان* در سال ۱۳۸۰ و *کوه سرگردانی* را برشمرد. وی به دلیل آشنایی با نظریات ادبی و احقاق حقوق زن در آثارش یکی از زنان نویسنده‌ای است که نقش به‌سزایی در تصویر واقعی زن در جامعهٔ ایران دارد. «مستقل بودن و حفظ هویت زنانه از خصلت‌های شخصیتی دانشور بوده است» (میرزاییان و باقری، ۱۳۹۳: ۷۳)؛ همچنین خود در این باره معتقد است که «این وقوف را داشته‌ام که من سیمین دانشورم و جلال، جلال آل‌احمد. دو نفر، نه یکی.» (گلشیری، ۱۳۷۶: ۱۸۰)

(۲) نوال السعداوی، پزشک، منتقد، نویسنده و رمان‌نویس مصری است که در سال ۱۹۳۱ در روستای «کفر طحله» در قاهره به دنیا آمد. او در سال ۱۹۵۵ از دانشکدهٔ پزشکی دانشگاه القصر العینی دانش آموخته شد و به‌عنوان پزشک در روستاهای قاهره مشغول به کار شد. به دلیل آرا و کتاب‌هایی که نوشته بود، تبعید شد. نوال، جمعیت همکاری زنان عرب را در سال (۱۹۸۲) به‌منظور توجه به زن در دنیای عرب تأسیس کرد. السعداوی را می‌توان نویسنده‌ای شورشی قلمداد کرد. او دارای بیش از چهل اثر ادبی است. از آثار او می‌توان به رمان‌های *الغائب* (۱۹۷۰)، *منکرات طیبیه* (۱۹۶۵)، *امراه عند نقطة الصفر* (۱۹۹۷)، *زینة* (۲۰۰۹) و کتاب‌های *الأنبي می الاصل* (۱۹۴۷)، *المرأة و الجنس* (۱۹۷۲)، *قضايا المرأة والفکر والسیاسة* (۲۰۰۲)، *الوجه العاري للمرأة العربیة* (۱۹۹۷) و... اشاره کرد که برخی از آن‌ها به بیش از سی زبان ترجمه شده‌اند.

(۳) واژهٔ فمینیسم از ریشهٔ “Feminine” گرفته شده است که در فرانسوی و آلمانی به‌معنای زن و جنس مؤنث است در تعریف فمینیسم می‌توان گفت: «گستره‌ای از جنبش‌های سیاسی، ایدئولوژی و اجتماعی است که هدفی مشترک را دنبال می‌کنند: تعریف، برقراری و دستیابی به سطحی از حقوق زنان که در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، شخصی و اجتماعی، با مردان برابر باشد.» (هاوکس ورت، ۲۰۰۶: ۲۵-۲۷) نهضت فمینیسم در اواخر دههٔ ۱۹۶۰ در اروپا و آمریکا ظهور کرد. ریشهٔ نقد فمینیستی را می‌توان در آثاری همچون «پشتیبانی از حقوق زنان» به‌قلم مری ولستون کرافت^۱ از پیشگامان برجستهٔ این نوع نقد و در نوشته‌های ویرجینیا وولف نویسندهٔ انگلیسی یافت (ر.ک: داد، ۱۳۷۸: ۴۴) در سال ۱۹۱۹ ویرجینیا وولف، اساس نقد فمینیستی را در مقاله‌ای با نام «اتاقی از آن خود» که در آن به مشکلات زنان نویسنده می‌پرداخت، بنا نهاد. «او در این کار مدعی می‌شود که این مردان هستند که معنای هر چیز را به آن می‌بخشند و آن را تعریف می‌کنند و تمامی ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، ادبی و فلسفی را به کنترل و نظارت خود درمی‌آورد.» (عزیززاده، ۱۳۸۷: ۵۳) با توجه به ویژگی‌های مشترک گرایش‌های فمینیستی، فمینیسم عبارت است از «دفاع از حقوق زنان، مبتنی بر انگارهٔ اومانیسم و سکولاریسم، با تأکید بر غیرطبیعی دانستن نابرابری‌های موجود و حرکت به‌سمت برابری یا موقعیت برتر زنان.» (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۲: ۳۳) نقد فمینیستی به مسائل زنان در معنای وسیعش توجه دارد «نویسندهٔ زن، افکار و احساسات زنان دربارهٔ خودشان، نقش زنان در فرهنگ و جامعه، حقوق زنان و از این قبیل، مواردی هستند که در نقد فمینیستی به آن‌ها پرداخته می‌شود.» (شمیسا، ۱۳۷۸: ۳۲۹)

منابع و مآخذ

- آژند، یعقوب (۱۳۶۳). *ادبیات نوین ایران: از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی*. تهران: امیرکبیر.
- اسحاقیان، جواد (۱۳۸۵). *درنگی بر سرگردانی‌های شهرزاد پسامدرن سیمین دانشور*. تهران: گل‌آذین.
- پاینده، حسین (۱۳۷۶). *نقدی فمینیستی بر داستان کوتاه رؤیای یک‌ساعته*. تهران: روزنگار.
- تانگ، رزموی (۱۳۸۷). *درآمدی جامع بر نظریه‌های فمینیستی*. ترجمه منیژه نجم عراقی. تهران: نی.
- تلخابی، مهری (۱۳۸۴). *شاهنامه و فمینیسم*. چاپ اول، تهران: ترفند.
- توحیدی، احمدرضا (۱۳۸۱). *برتری جنبش فمینیسم در غرب و ایران*. مجموعه مقالات اسلام و فمینیسم. جلد اول. چاپ اول، قم: معارف.
- جوکاری، مهناز؛ علی عربی و علی روحانی (۱۳۹۸). *بازنمایی شخصیت زن در رمان قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران مورد مطالعه رمان سووشون و رمان چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم*. فصلنامه زن و جامعه، ۱۰ (۲)، ۲۶۳-۲۸۲.
- حدیدی، جواد (۱۳۷۳). *از سعدی تا آراگون*. تهران: نشر دانشگاهی.
- حریری، ناصر (۱۳۶۶). *هنر و ادبیات امروز*. بابل: کتابسرای بابل.
- داد، سیما (۱۳۷۸). *فرهنگ اصطلاحات ادبی*. چاپ سوّم، تهران: مروارید.
- دانشور، سیمین (۱۳۷۲). *جزیره سرگردانی*. تهران: خوارزمی.
- (۱۳۸۰). *ساربان سرگردان*. تهران: خوارزمی.
- (۱۳۸۱). *سووشون*. تهران: خوارزمی.
- دوبووار، سیمون (۱۳۸۰). *جنس دوّم: تجربه عینی*. ترجمه قاسم صنعوی. جلد اول. چاپ دوّم، تهران: توس.
- زیبایی‌نژاد، محمدرضا (۱۳۸۲). *درآمدی بر فمینیسم*. مجموعه مقالات فمینیسم و دانش‌های فمینیستی. چاپ دوّم، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- السعداوی، نوال (۱۹۸۲). *مذاکراتی فی سجن النساء*. القاهرة: دار الأدب.
- (۱۹۸۵). *مذکرات طبییة*. القاهرة: دار المعارف.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۸). *نقد ادبی*. تهران: فردوسی.
- عزیززاده، گیتی (۱۳۸۷). *زن و هویت‌یابی در ایران امروز*. چاپ اول، تهران: روشنگران.
- غذامی، عبدالله (۱۳۸۶). *زن و زبان*. ترجمه هدی عوده‌تبار. چاپ اول، تهران: گام‌نو.
- قبادی، حسینعلی؛ فردوس آقاگل‌زاده و سیدعلی دسپ (۱۳۸۸). *تحلیل گفتمان غالب در رمان سووشون سیمین دانشور*. فصلنامه نقد ادبی، ۲ (۶)، ۱۴۹-۱۸۳.
- قاسم‌زاده، محمد (۱۳۸۳). *داستان‌نویسان معاصر ایران*. تهران: هیرمند.
- گلشیری، هوشنگ (۱۳۷۶). *جدال نقش با نقاش در آثار سیمین دانشور*. تهران: نیلوفر.

References

- Handly, W. (1994). *The Housemaid and the kitchen Table: Incorporating the farm in to the Lighthouse*. *Twentieth Century*. 41.1. Questia.
- Hawkesworth, M. E. (2006). *Globalization and Feminist Activism*. Rowman & Littlefield, 25-27.
- Thornham, S. (1998). *Secend wave Feminism, The Routledge Companion to feminism and post feminism*. Ed.Sarah Gamble. London: Routledg.



بحوث في الأدب المقارن (الأدبين العربي والفارسي)

جامعة رازي، السنة العاشرة، العدد ٢ (٣٨)، صيف ١٤٤١، صص. ٣٥-١٩

دراسة مقارنة للتقّد النسوي في أعمال الكاتبات على أساس روايات سيمين دانشور ونوال السعداوي

آزاده پورصدامي^١

طالبة الدكتوراه في فرع اللّغة الفارسيّة وآدابها، فرع رودهن، جامعة آزاد الإسلاميّة، رودهن، إيران

السيد ابراهيم آرمن^٢

أستاذ مشارك في قسم اللّغة العربيّة وآدابها، فرع كرج، جامعة آزاد الإسلاميّة، كرج، إيران

مريم امير ارجمند^٣

أستاذة مساعدة في قسم اللّغة الفارسيّة وآدابها، فرع رودهن، جامعة آزاد الإسلاميّة، رودهن، إيران

القبول: ١٤٤١/٨/٢٩

الوصول: ١٤٤٠/٩/٢٤

الملخّص

لقد تمّ في نتاجات الكاتبات حول العالم، بذل الجهود الوفيرة لتحقيق حقوق المرأة وقد اعتري بعض هذه الأعمال الشطط والإفراط كما اتسم البعض الآخر بالوسيطّة والإعتدال ليؤدّي دوراً إيجابياً. يستكشف هذا المقال جوانب ووجهات نظر وأفعال ولغة وأدب الأبطال الإناث بحثاً عن وجهات نظر مشتركة ومختلفة في روايات سووشون وجزيرة التسكع والحادي الهائم بقلم سيمين دانشور ومكترات طبيبة ومكتراتي في سجن النساء من تأليف نوال السعداوي بناءً على التقّد النسوي، والغرض من هذه الدراسة هو التصدّي لأوجه الشبه والافتراق بين النتاجات الفارسيّة والعربيّة الأنفة الذكر وذلك من أجل العثور على أوجه التشابه والاختلاف الثقافي بين الكاتبتين. ولقد تمّت ترجمة النتاجات المختارة لنوال، لنتمكّن من مقارنتها بالنتاجات التي آثرناها لسيمين وذلك على أساس المدرسة الإمريكية في الأدب المقارن وعلى منهج الوصفي - التحليلي. وتشير نتائج الدراسة إلى أنّه على الرّغم أنّ كلتا الكاتبتين تتبادلان وجهات نظر نسوية مشتركة، إلّا أنّ سيمين، بشكل عام تراجعت أحياناً في تصديها لحقوق المرأة وهويّتها، بينما نوال أكثر راديكالية.

المفردات الرئيسيّة: الأدب المقارن، التقّد النسوي، الرّواية، سيمين دانشور، نوال السعداوي.

